



انگشتر در تاریخ انبیا و اولیا

علی اکبر رنجبران تهرانی

یکی از زینت‌هایی که از دیرباز در میان انسان‌ها مرسوم بوده است، زینت انگشتر است. انگشتر علاوه بر زیبایی که به دست می‌بخشد، گاه دارای آثار معنوی خاصی نیز می‌باشد که آن آثار می‌تواند مجعول و معهود انسان‌ها باشد، مانند آنکه حلقه انگشتری را به نشانه پیمان ازدواج میان زن و مرد قرار می‌دهند که هر گاه نظر بر آن می‌افکنند، عهد و پیمان خود را در ازدواج تازه می‌کنند. یا ممکن است این آثار معنوی، تکوینی و مجعول خالق متعال باشد که در نگین و یا رکاب انگشتر اثری پنهان و خاص قرار داده باشد. به هر حال، «انگشتر» زینتی است که هم دارای زیبایی ظاهری و هم زیبایی باطنی است.

سیره پیامبران و ائمه علیهم السلام

انگشتر در میان ادیان گذشته و انبیای سلف جایگاه ممتازی داشته است و سابقه آن به حضرت آدم علیه السلام بازمی‌گردد. حضرت آدم علیه السلام زمانی که از بهشت به سوی زمین هبوط کرد، به همراه خود انگشتری از بهشت آورد. (۱) و بعد از او حضرت نوح علیه السلام نیز انگشتری داشت. هنگامی که نوح علیه السلام بر کشتی سوار شد و بادبان‌ها بالا رفت و بادهای وزیدن گرفت و آنها در تلاطم بودند، اضطراب عجیبی کشتی را فراگرفت؛ به گونه‌ای که هر لحظه احتمال غرق شدن کشتی می‌رفت. در چنین هنگامه حساسی، جبرئیل بر حضرت نوح علیه السلام نازل شد و اذکاری به وی آموخت که سبب نجات او و همراهانش شد. حضرت نوح علیه السلام با خود گفت: «کلامی که چنین اثری دارد و از خداوند به من رسیده، سزاوار است همیشه به همراه من باشد.»

و آن را روی انگشتر خود حاک نمود. آن کلام، کلامی بود که خداوند وی را به وسیله آن از غرق شدن نجات داد. (۲) زمانی که حضرت ابراهیم علیه السلام در میان منجنیق قرار داشت و می‌رفت که در میان شعله‌های برافروخته نمرود قرار گیرد و بسوزد، خداوند به وسیله جبرئیل انگشتری برای او فرستاد که روی آن اذکاری نوشته شده بود تا با دست کردن آن، از آتش در امان بماند. (۳)

حضرت سلیمان علیه السلام خاتمی داشت که بر روی آن اذکار مخصوصی نوشته شده بود و چنان اثری داشت که همه جنّ و شیاطین را در تحت فرمان او آورده بود. (۴)

حضرت موسی علیه السلام انگشتری داشت که دو جمله از تورات روی آن نوشته بود.

حضرت عیسی علیه السلام نیز صاحب انگشتری بود که دو جمله از انجیل روی آن نگاشته بود. (۵)



استفاده از این زینت تا زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ادامه داشت. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نیز دارای انگشترهای متعددی بود. (۶) این زینت در دین اسلام به عنوان مستحبی مؤکد می باشد. «إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ لُبْسُ الْخَاتَمِ (۷)؛ دست کردن انگشتر از سنت های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است.»

روایات در باب «استحباب انگشتری» فراتر از حدّ تواتر است. (۸) و شاید کمتر مستحبی را بتوان پیدا کرد که به اندازه این مسأله روایت و سیره داشته باشد. تا آنجا این سیره مهم بوده است که هر کدام از اهل بیت علیهم السلام یک یا چند انگشتر داشته اند. (۹)

میراثی ماندگار

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم یک انگشتر خود را به عنوان «میراث نبوت و ولایت» به همراه موارث دیگر به حضرت علی علیه السلام دادند. (۱۰) و هم اکنون از موارث امامت است.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام در مورد انگشتر جدّشان امام حسین علیه السلام سؤال کرد، حضرت فرمود: آن انگشتر به وصیت حسین علیه السلام به امام زین العابدین علیه السلام رسید و آن انگشتر، همان انگشتری بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به علی علیه السلام و او نیز به فرزندش امام حسن علیه السلام و او نیز به برادرش امام حسین علیه السلام منتقل نموده بود. من نیز آن انگشتر را از پدرم امام باقر علیه السلام دریافت کرده ام و هر روز جمعه به دست می کنم.

محمد بن مسلم می گوید: جمعه به محضر ایشان مشرف شدم و آن انگشتر را دیدم. (۱۱)

البته جا دارد اشاره ای به مطلبی داشته باشیم و آن، این است که: می دانیم انگشتر سیدالشهدا علیه السلام در واقعه کربلا به دست بجدل بن سلیم کلبی ملعون رسید. وی با بردن انگشت حضرت، آن انگشتر را به تاراج برد (۱۲)؛ لکن با امعان نظر می توان گفت که یا امام حسین علیه السلام چند انگشتر داشته است، که انگشتر به غارت رفته غیر از انگشتر امامت بوده، و یا همان بوده لکن بعد، به دلیل اینکه از «مواریث امامت» بوده، بازمانده شده است.

آراستگی

در هر صورت، «انگشتر» جایگاه ویژه ای در آئین اسلامی دارد و علاوه بر زینت و زیبایی، به دست کردن آن دارای ثواب و اجر است. بنابراینچه گذشت، چون انگشتر نوعی زینت و زیبایی محسوب می شود و اصل «لبس خاتم» در شریعت اسلام مطلوب و محبوب است، باید در چند و چون و کمّ و کیف آن ناظر به دستورات روشنگر دین مبین اسلام بود و روحیه «تعبد» را در برابر خیر مطلق و کمال بی انتها از دست نداد، چه اینکه او جز خیر و مصلحت و حسن بنده خود را



نمی خواهد.

در همین راستا، شیوه خاصی در نحوه آراسته شدن به این زینت اتخاذ شده است؛ به عنوان مثال: مردان را از آراسته شدن به طلا منع نموده است و برای بانوان محدودیتی از این بابت قرار نداده است. شاید در این رابطه مفسده ای برای مردان باشد که بر عقول، مخفی و مستور است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «انگشتر طلا به دست نکن، همانا انگشتر طلا در آخرت زینت توست.» (۱۳)

روایات در باب نهی از زینت مردان با طلا، زیاد است.

آثار انگشتر

هر کدام از رکاب و نگین، دارای خواص متفاوتی است، خصوص اینکه بعضی از سنگ ها که مورد سفارش شریعت اسلامی می باشند، آثار عجیبی دارند. به عنوان نمونه می توان به داستانی از امام رضا علیه السلام اشاره کرد:

شخصی به خدمت امام رضا علیه السلام رسید و از اینکه صاحب فرزند نمی شد، گله و شکایت نمود. حضرت دستور داد تا انگشتری با نگین فیروزه تهیه کرده و بر آن، این آیه مبارکه را حک کند: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (۱۴)؛ پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی بر من عطا کن)، و تو بهترین وارثانی!

راوی می گوید: این کار را انجام دادم و بیشتر از یکسال بر من نگذشت که با این دستور امام علیه السلام فرزندی «پسر» روزی ام شد. (۱۵)

یا در روایت آمده است که: هرکس عقیق یا فیروزه به دست کند، فقیر نمی شود. (۱۶)

اثرات مفید دیگری از این قبیل نیز در روایات فراوانی وارد شده است. (۱۷)

انگشتر در سیره اهل بیت علیهم السلام جایگاه ویژه ای داشته است تا جایی که امیرمؤمنان علی علیه السلام چهار انگشتر به دست می کردند:

- یاقوت، برای نجابت و بزرگی؛

- فیروزه، برای پیروزی؛

- حدید چینی، برای نیرومندی؛

- عقیق، برای محافظت. (۱۸)

امام رضا علیه السلام به دُعْبَلِ خَزَائِي در مقابل آن اشعار زیبا که در حضورشان خوانده شد، هدایایی دادند که میان آنها،



نگینی عقیق وجود داشت.(۱۹)

امام حسن عسکری علیه السلام به دست کردن انگشتر را در «دست راست»، از نشانه های مؤمن برشمرده اند.(۲۰)
نقش نگین

روی انگشتر هر کدام از معصومان علیهم السلام ذکر خاصی منقوش بوده و روی انگشتر پیامبران علیهم السلام نیز عبارت های مخصوصی نوشته بوده است که بعضی از نقوش انگشترهای آنان بدین گونه اند:

حضرت آدم علیه السلام: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علي ولي الله»؛

حضرت نوح علیه السلام: «لا اله الا الله»؛

حضرت سلیمان علیه السلام: «سبحان من ألجم الجن بكلماته»؛

حضرت موسی علیه السلام: «إصبر توجز، أصدق تُنج»؛

حضرت عیسی علیه السلام: «طوبی لعبد ذکر الله من أجله، و الویل لعبد نسی الله من أجله»؛

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم: «محمد رسول الله»؛

امیرمؤمنان علی علیه السلام: «ألملک لله»؛

امام حسن علیه السلام: «العزة لله»؛

امام حسین علیه السلام: «ان الله بالغ أمره»؛

امام سجّاد علیه السلام: «خزّي و شقي قاتل حسین بن علي علیهما السلام»؛

امام باقر علیه السلام: «القوة لله جميعاً»؛

امام صادق علیه السلام: «أنت ثقتي فاعصمني من خلقك»؛

امام کاظم علیه السلام: «حسبي الله»؛

امام رضا علیه السلام: «ماشاء الله، لا قوة الا بالله».(۲۱)

آداب

حال، جا دارد که بعضی آداب استفاده از انگشتر را به طور اختصار بیان کنیم تا در آراسته شدن به زیبایی ها، رضای خالق زیبایی ها را به دست آوریم.

۱. مستحب است که رکاب انگشتر از نقره باشد و مکروه است رکاب آن از جنس آهن یا مس باشد.

۲. مستحب است نگین انگشتر یکی از موارد زیر باشد:



- عقیق، فیروزه، یاقوت، جزع یمانی، بلور، حدید چینی، دژ نجف، سنگ زمزم، زمرد.
۳. مستحب است انگشتر را به دست راست بکنند و قرار دادن انگشتر در دست چپ، مکروه است.
۴. مستحب است انگشتر را در انگشت کوچک و یا کناری آن قرار دهند و مکروه است در انگشت سبابه یا وسطی قرار گیرد.
۵. زینت کردن مردان با طلا، مطلقاً حرام است و انگشتر نیز از این قاعده مستثنی نیست.
۶. مستحب است روی انگشتر آیه ای از آیات قرآن کریم یا نقوشی از نقوش انگشتر ائمه اطهار علیهم السلام نوشته شود. و کشیدن تصویر حیوانات بر آن، مکروه است.
۷. واجب است به هنگام استنجاء، انگشتری که اسماء الهی و یا نام اهل بیت علیهم السلام بر آن نوشته شده، از دست درآورده شود.
۸. سزاوار است به هنگام وضو، انگشتر را بچرخانند تا یقین کنند که آب به زیر انگشتر رسیده است.
۹. نشان گذاشتن انگشتر برای یادآوری کارها، مکروه است مگر در شمارش رکعات نماز که مکروه نیست. (۲۲)

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۴۵۶، ج ۵.
۲. همان؛ مکارم الاخلاق، ص ۹۰.
۳. همان.
۴. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۲۳۶.
۵. امالی، ص ۴۵۶، ج ۵؛ مکارم الاخلاق، ص ۹۰.
۶. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۷۹، ج ۵۹۷۱.
۷. کافی، ج ۶، ص ۴۶۹، ج ۲.
۸. برای اطلاع بیشتر، رک: اعجاز نگین (اعجاز الفص).
۹. کافی، ج ۶، ص ۴۶۹، ج ۲.
۱۰. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۶، ج ۱.
۱۱. امالی، ص ۱۴۴، ج ۱۳.
۱۲. لهوف، ص ۱۳۰.



-
۱۳. کافی، ج ۶، ص ۴۶۹، ح ۵.
۱۴. انبیاء / ۸۹.
۱۵. امالی، شیخ طوسی، ص ۴۸، ح ۶۲ - ۳۱.
۱۶. کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۱؛ ص ۴۷۲، ح ۱.
۱۷. رک: اعجاز نگین.
۱۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۷، ح ۱۹.
۱۹. امالی، شیخ طوسی، ص ۳۵۹، ح ۷۴۹ - ۱۹.
۲۰. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲، ح ۳۷.
- ۲۱ و ۲۲. رک: اعجاز نگین.
-